

تــاچە انــدازە نظام آموز شـــى مــا در امــر آموز ش مهارت هاىزندگى وجامعە پذيرى افرادمو ثر است نظــام آمــوزش و پــرورش و همین طــور نظــام آموزش عالی ما، مانند ســایر کشــورهای دنیا، بهویژه کشورهای توسعه یافته یا حتی در حال توسعه، فرآیند جامعه پذیر ی دانشــجویان و دانش آموزان، به گونه ای اسـت که مهارت های لازم را برای یک زندگی مستقل در اختیار آنها قرار نمی دهد. در صورتی که دانش آموزان و دانشجویان، اعم از گروههای سنی کودک، نوجوان و جوان بيشترين زمان عمر شان رادر اين دونهاد آموز شى ے .یسبریر میگذرانند. د تکم در شرایط کنونی، بیشترین

ی ر مسید مراب سرید میرد. ارتباط رابااین نسل دارند. به طـور مثـال، دانش آمـوزان ۱۲سـال در نهاد به بعضور میرین دندس،میروز ۱۱ نستان در پهد آموز شویب رورش درس می خوانند قرار است زبان عربی وزران انگلیسی را در آن مدت بیانه گیرند چندرصد از این دانش آموزان زمانسی که دیپلم می گیرند، زبان انگلیسی را یاد گرفتهاند؟ خیلی کم؛ شاید اصلا نباشد. خود این نهاد تلاش نمی کند برای آموزش آنچه که باید بـه دانش آموزان آموزش بدهد. بعني اين ١٢ ســال بابت چيزې هزينه شده که هيچ مابەازايى نداشـــتە و ھيچ مھارتى انتقال نيافتە اس ممین طور در مورد ریاضیات. مدلول این ســخن آن است که بعداز ۱۲ سَل درس خواندن، دانش آموزان ناگزیرند که به موسسات آموزشی آزاد بروند و دوباره د تریزند ت به موسست ،مورسی ، رد بروند و موبره هزینه کنند تا ریاضیات، فیزیک، ادبیات و... بیاموزند. مرے متن ادبیات انتقالی در نظام آموزش و پرورش آن قدر تھی و آمیخته به مطالب بی ربط است که دانش آموز یکی را بیا به معنی کرد. فارسی زبان، با متون کلاسیک فارسی و با مفاهیم اصیل فارسی، ار تباط برقرار نمی کند، شـمامتونی که اخیرا تولید شده را با متون گذشته مقایسه کنید. یر در گذ^ہ در گذشته، دانش و اخلاق و هم متون زبان فارسی را به دانشآمـوزان انتقال میدادند. انتقـال زبان به مُثابه انتقال فرهنتگ یک جامعه است. زمانی که متابه استان فرهنت یک جمعه سنت، رسمی -ما فرهنگمان را انتقال میدهیسم، یعنی می توانیم جامعهمان را حفظ کنیم، اما متاسسفانه، کتابهای بر می موجود، کتاب هایی است با محتوای یک سویه و در سی موجود، کتاب هایی است با محتوای یک سویه و خاص. کتاب هایی مملواز جملات که با اهداف خاصی نوشته شدهاند. بهتر بوداین کتابها به گونهای زبان و فرهنگ متنوع ایرانی راانتقال دهند و متعلق به دوره، ر خاصی نباشــند. باید بیطرفانه تر نوشته میشدند. چراکه هــدف، چیزی جــز انتقال زبــان و فرهنگ فارسی است. هدف، هرچه باشــد، نمی تواند کمکی به دانش آموزان بکند. دانشــگاههای دولتی را درنظر بگیرید. دانشــجویانی که وارد دانشگاهها می شوند، زمانی که فارغالتحصیل می شوند، مهارتهای لازمرا برای کار و زندگی کسب نکردهاند. به این معنا، درس خُواندن تَنْهَا و تنها به دلیل گرفتن مدرک است، نه کسب مهارت و علم و دانش. دانشجویان فنی، بعد از فارغالتحصیل شدن به این نتیجه می سند که تنها اندوخته شان، معدود مطالب تئوری است که در عمل، دستشان رانخواهد گرفت، به این تر تیب، هم نقص در جامعهپذیری علمی در آموزش وپرورش وجود دارد و همدر نظام آموزش عالی. فکرمی کنیددلیل آن چیست؟

قدرفی تعیدتاین ان چیسه در واقع، دلیل عمده شاید این باشـد که سـاختار آموزش ویرورش و نحوده استخدام معلمان و همین طور کیفیت سـطح دانـش و مهارتـهـای معلمانی که استخدام شدهاند، مورد سوال اسـت. در نظام آموزش عالی نیز با همین مسائل مواجهیم. بـه جای تأکید بر علم، حقیقتجویـی، دانش آموزی و دانشـجویی، مسیرهایی طی میشـود که جز ابطال وقت و انرژی و عمر دانشـجویان، حاصلی ندارد. دانشـجویان ما بعد از گذراندن حداقل ۱۶ سـال (برای اخذ لیسـانس) در ر سرین سال میردید های خودشان در کشورهایی مثل سب با هم ردینه های خودشان در کشورهایی مثل ترکیه، کشورهای عربی و حتی کشوری مثل افغانستان، از سطح دانش و مهار شاجتماعی پایین تری

برخوردارند. مااین مسأله راجامعه شناختی وساختاری می بین نه انفرادی که یک خانــواده برای فرزندش کلی هزینه کرده باشد تا بار کمبودهای آموزش و پرورش را کنترل كندو فرزنددش را پرورش دهد تـاوقتى مهارتى پيدا

ا مصادیق مهارت های زندگی آشنا هستید؟ اگر پاسختان مثبت است. آیا این مهارت اما را در مدرسه به شماً نموزش دادهاند؟ آیا تا به حال میان دانش آموخته های کشــور خودمان (ایران) با دانش آموخته های کشور های ديگر مقايسهاى انجام دادهايد؛ آيا مىدانيد كه به طور مثال در كشور تركيه، ژاپن، آلمان يا آمريكا دانش آموزانى ديدر هنستاني مجدد ديدها، دياي بند باعظور مل در صور در يدران مالي اس مراح بر مدران ماري امريك مناس موران مادي التحصيل عي شود بمميلر دخامي ارزيان زندگي سنگار بي خود ميدران با اينام راي خود ميدران با تابه مار محاوي درس و خالي از اينگواري خاصي مي داديد آبانقا مرام شرف مامي ماديم قدم مندم مادي مي در ديران انتخابا از راينها با بيكران و زندگي سنتقار را آمين كند اينظر مي دستانام آموزشي ما چيري از ميار ماي رايي درسان مي دادي ار تباطی به افراد آموزش نمی دهد و بچه ها، تنها با تجربه شخصی و آن هم در مسیر خانه تا مدرسه و از مدرسه تا خانه، این مهارت هاراکسب می کنند.

خانه، این مهارت هارآکسب می کنند. گفت و گویی کـه در ادامه می آید، گفت و گوی ما با آیتالله میرز این، جامعه شــناس اســت. دکتر میرز این، نظام آموزش ویروش و آموزش عالی رانقد کرده و معتقد است نظام آموزشی مانه تنها محتوای آموزش مهارت های زندگی را در بر نمی گیرد، بلکه در آموزش ســرفصل ها و متون علمی خود نیز شکست خورده است. برای یافتن پاسخ سوالات بالا، گفت و گویز بر رااز دست ندهید:

ئسب می کند. غیر از زبان آلمانی، زبان انگلیسی را بی آموزد، در دبیر ستان ها بسیاری از زبان های مختلف

دنیا بهصورت دروس اختیاری ارایه می شود. زبان هایی

مثل فرانسوی، اسپانیولی، ایتالیایی، روسی، لاتین و... کهاین دانش آموزان بعداز دیپلم در کشورهای دیگر نیز

بتوانند کار کنند. در صورتی که یک دانش آموز فارسی

اینهاستمی است در حق کودکان، نوجوانان و جوانان

که توسط نظام آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی در حق این افراد انجام می شــود. هر فرد، محق اســت

که از کیفیت آموزشی و مهارتهای زندگی اجتماعی برخوردار شـود اینها بخشـی از حقوق شـهروندی خانوادههای ایرانی اسـت که فرزندانشـان از کیفیت

م روطه و نیز در قانون اساسی انقلاب ۵۷، جزو

ئودكان ايراني فراهم كنــد. آموزش رايگان با كيفيت نى مهارت هاى ارتباطى ، كلامى واجتماعى موردنياز

برای یک فرد. کسانی که این کودکان را به امانت از پدر

و مادرهایشان تحویل می گیرند ک علاوهبر دانش، و مادرهایشان تحویل می گیرند ک علاوهبر دانش، مهارتهای زندگی اجتماعی را نیز ب آنها بیاموزند، خودشان دچار نوعی شــعار گرایی و نمایش شــدید

شُدهاند. اکنون تُـلاش خاصی بَر آمُـوزش و پرورش حاکم است. اگر اینطور نبود، طی این ۱۲ سـل، باید

مهارتهاي لازم براي آينده اين كودكان، به أنها منتقل

درس ومدرسه براى اين كودكان به وجودمى آيد. بعداز

ـت که دلز دگی شـــدید

ده است که آموزش رایگان را برای

آموزشـــی خوب برخوردار باشــنّد در قانون اُسا،

. زبان حتى درزبان مادرى اش نيز مشكل دارد.

این شرایط را مهیا می کند؟ نسل بعدی با چه مهار تی می خواهد بارقبای پیرامونش رقبت کند؟ در زمانی که بازار کار نیز درحال جهانی شدن است یک ایرانی تا چه اندازه مهارت کسب کرده است تادر تر کیه یادر مناطق مختلف جهان کارپیداکند؟ کرد،او را به کشــورهای دیگر تقدیم کنــد.این کاری است که در ایران صورت می گیرد باید منصفانه به قضیه نگاه کرد. یکی از مسائل جدی آموزش و پرورش، مواجه شــدن با کمبود منابع مالی و امکانات لازم برای پیشبرداهدافش است. بخشی از آن به کمبود نیروی انسانی ماهر بازمی گردد. بودجه آموز شوپرورش، دایما در حال منقبض شدن و کوچکتر شدن است. باید به این محسب جهان دارپید سد. شــــما همین دانشآموزان را با دانش آموزانی که در اَلمان تحصیل میکنند، مقایسه کنید. یک آلمانی به اندازه یک ایرانی، زمان هزینــه می کند. اما ببینید که تنها در بخش زبــان و ارتباط زبانــی، چه مهارتـهایی نكَتەنيز توجه كرد.

ميزان مشار كتهاىمردمى درنظام آموزش وپرورش با مینزان تصمیم گیری میردم در نحوه اداره آموزشوپرورش، سنخیت ندارد. دولت در جاهایی، موزشوپرورش، ســ از مردم یول می گیرد (مثل مجوز دادن برای تأسیس مدارس غیرانتفاعی)وبار مالی و هزینه هارا به دوش خود مردم می انداز دو به این تر تیب، پرداخت از جیب مردم برام ایی مردود، درصورتی که سهم نظارتی و مشارکتی مردم به همان نسبت، افزایش نمی یابد یعنی هزینه را مردم پرداخت میکننداما تصمیم گیرنده، دولت است. زمانی که شــماهزینه هارا پر داخت می کنید، باید بر کیفیت هم نظارت داشته باشید. باید بتوانید بر کیفیت معلمی که به فرزند شما آموزش می دهد، نوع دروسی که به فرزند شما ارایه می شود، نوع کتب و محتوایی که به فرزندُ شــماارایه می شود، نظارت کنید در انتهانیز، خانوادهایی که فرزندانشان را به مدارس غیرانتفاعی سوامىتىيى ت كرزىتىتىن رە بە ئىدىرس غېرىمىتىكى فرستادەاند، رضايت خاصى، نىسبت بە مابەازاى بولى كەاضافەپرداخت كردەاند،ندارند. گمان مىكنندچون بچەھايشان نمرەھاى خوبى مىآورند، پس مھارتھاى لازم اجتماعي و دانش مورد نياز را كسب كردماند. در سورتى كەاينچنير

ر می میرونید. به نظـر شــما، دانش آمـوزان و دانش آموخته های ایرانــی که بــهزودی فارغ التحصیل می شــوند، به لحــاظ مهارتهــای زندگی، چــه تفاوتی باســایر همرديفانشان درساير كشورهادارند؟

اً زمــان و وقت افــراد تلف می شــود. فر دی که ۱۱سال تا گرفتن دیبلی مان صرف کرده است، باید به قدر کافی، مهارت های زندگی و دانش برای کسب و کار را فرا گرفته باشد تا بتواند بهصورت مستقل از خانواده زندگی کند. نظام آمرزش و پرورش ما تا چه اندازه

میزان مشار کتهای مردمی در نظام آموز شوپرور شبا میان تصمیم گیری مردم در نحوه اداره آموزش و پرورش، سنخیت ندارد. دولت در جاهایی، از مردم پول می گیر د (مثل مجوز دادن برای تأسیس مدارس غیر انتفاعی) و بار مالی و هزیندها را به دوش خود مردم سیور حسن بری مسیس مدرک میز مسیقی و بر می و صورته میآناذاز دومه این تیبه پر مادتی جریب مردم بالا می رود در صورتی که سهم نظار تی و مشارکتی مردمه همان نسبت،افزایش نمی بابد. یعنی هزینه را مردم پر داختمی کننداما

. . ىىشد

به همین دلیل اس

ه اینجا زمان و وقت افراد تلف می شـود. فر دی که ۱۲ سال تا گرفتر دیپلم زمان صُرف کرده است، باید به قدر کافی، مهارت های زندگی و دانش بیرای کسب و کار را فرا گرفته باشید تا بتواند به صورت مستقل زخانواده زندگی کُند. نظام آموزش و پرورش ما تا چــه اندازه این شــر ایط را مهیا می کند؟ نسـل بعدی با چه . ما تاچــهاندازه این شــرایط رامهیامی کند؟ نس ما نا چـهاداره این سرایید ارمیدمی دند. مهارتی می خواهد بارقبای پیرامونـــشر قابت کند؛ در زمانی که بازار کار نیز در حال جهانی شـدن است، یک ایرانی تـــا چهاندازه مهارت کسب کرده است تا در ترکیه یا در مناطق مختلف جهان کار بیداکند؟

اتمام امتحانات، كتاب هايشان رابه هوا پر تاب مي كنند. این نشان میدهد که چقدر جذابیت مدارس برای بچههاناچیز است. اینها را من به معلمان نمی گویم. معلمان ما، مردان و زنان شـریف و نجیبی هستند که وظایفشان رابددرستی انجام میدهند؛اما یک کنشگر، به خودی خودنمی تواندساختار را تغییر دهد.این منوط به تغییر ساختاری و تغییر رویکردنسبت به عملکرد موزش و پرورش اس

ەربېرىر ئ ەمھم دىگر،ايناست كەنبايدطى آموزش و مهارتهای زندگی، بیار تباط بانظام جهانی بود. برنامههایی که تحتعنوان بومی گرایی گذاشتهمی شود رادر نظر بگیرید: زمانی که علم، در سطح جهانی عرضه می شود، شمانیز باید در سطح جهانی رقابت کنید. در جزیره قرار گرفتـــن و این توهم که مابر ترین و بهترین

هستیم، زمانی که در عرصه عمل و واقعیت قرار میگیردىرنگىمىيازد. من بحث آموزش دانىش ومهارت هاى زندگى با کیفیت را جزو حقوق شهروندان میدانم و فکر می کنم به میزانی که دولت از زیر بار هزینه هایی که باید برای به سیر سی - ، در - ، رو ، ، رو . این کودکان متقبل شود، شانه خالی می کند و بار را بر دوش خانوادەھامى/نىدازد، بايد حق تصميم گيرى انيمز به خانواده ها بدهد. به اين معنا كه مشاركت ردميى راافزايش دهد و زمينه حضور شهروندان را درُ تصمیم گیری های آموزشی و پرورشی، فراهم کند. ى حق دارم كه بدانم فرزندم بعد از ١٢ سال درس تواندن، چەخواھدشد؟ بعداز اين مدت، چە تشابھى با دانش آموزان ژاپنی و کر های، آلمانی و آمریکایی خواهد Secols

مى توانيد نمونه ومصداقي از مهار ت هاي اجتم که در دانشــگاهها و مدارس خارج از ایران، به افراد دادهمی شودرانام ببرید؟

یکیاز برنامههایی کهدر کشورهای دیگر اجرامی شود كه من از آن مطلعه، برنامه اي زير عنوان «exchange» ست. برنامه مبادله دانش آموز و دانشجو. در این برنامه که در دورهای خاص بر گزار می شود، به طور مثال، یک دانش آموز انگلیسی در یک تابستان، به ایتالیا می رود و بایکخانوادهایتالیاییزندگیمیکند.یکفردایتالیایی به انگلیس میرود.فرد دیگری به اسپانیا،فرانسـه یا جاهای دیگری می وند تا هم دیگر ان را بشناســدو هر . مهارتهای ارتباطی در یک فضای بیگانه والبته واقعی را تجربه کردهباشد ضمن این که هم نظام آموزش و پرورش و هم نظام آموزش عالی در آن کشورها،ار تباط وُثیقی با کار و صنعت و تولید دارنــد مهارتهایی که هر فردی ، زَنْدَحَى سِهُ آنَهَا احتَبَاج سِدا مَي كِنْسِد. در دور مَعَانِر جویان و دانش آموزان به میان کشاورزان می روند در میان صنعتگران، معدنچیان، گرومهای دانشمندان ر = " و... میروند و حتی دورههای عملی را روی یک کشتی ماهیگیری می گذرانند. به مزارع پرورش ماهی، لبنیات مید بیری یی درمینی در مربی پررس مدی بید و ـ سر میرنندواز نزدیک بااین مها پر رس آشنامی شوند. اینها به صورت نمایشی نیست.اگر چه این موارد، هزینه بر هست.ند و دولت آنها را پر داخت می کند و خانواده ها نيز كمك مُيكنند، أما در هر حال به گونه ای است که یر نتیجهای کارآمدوموثر برای دانش آموزان و دانشجویان داشته باشد. جدااز این مسأله، فرصتها برای بچههای باهوش ودارای رزومه خوب،اندک نیست آنها می توانند زبورسيههاى مختلفى استفاده كنندو جذب مدارس و دانشگاههای بسیار عالی شوند. در هر حال، همه اینها در یک برنامه کلی به یکدیگر پیوند خور ده است تا بتوانند یک نسـل فرهیخته و با مهارت را برای آینــده خود و کشورشان تربیت کنند.نسـلی که در ارتباط با مسائل و مشکّلات مُختلف طبيعي و غير طبيعي، کنار بيايد و ر ـــــر ـــدست سیمی و سیمی مییم ، سر بینیه کر از لحاظ مهار تهای ارتباطــی ، همدلی، همکاری، کار جمعی دانش، مهار تهای اجتماعی و .. برخوردار باشد و و مسئولیت خود را در یک موقعیت اجتماعی ، به خوبی جاممي دهد.

، بی آموزش ویر ورش ما، به لحاظ علمی مور د غفلت واقع رز کربرز ک . شده است. یعنی کار کردهای علمی خود را به درستی انجــام نمیدهد؛ چه برســد به آمــوزش مهارتهای اجتماعی و زندگی. آموزش وپرورش دچار کار کردهای اجتماعی و زندگی. آموزش وپرورش دچار کار کردهای دیگری شده است و در راستای دیگری حرکت می کند.



یان کمک می کنــددر جمع و اجتماعی کــه زندگی می کنــد، ارتباط بهتری داشته باشد. با فراگیری مهارتهای زندگی فرد توانایی حل مشکلات شـخصی و اطرافیانش را پیدا می کند و از آسیبهای ناشـی از ناتوانی در این زمینه، مصون میماند. براسـاس تحقیقات علمیے و تئوریہای روانشناسیے، فیرد برای زندگی بهتـر و برقراری ارتباطات موثر و س نیازمند فراگیری ۱۰ مهارت اصلی است. این مهارت هاعبارت است از خودآگاهی، همدلی، مدلى، روابط میان فردی،شیوههای بر قراری ار تباط موثر سالم، کاهش استرس های روحی، م میجانات، حل مسائل ومشکلات فر دی و ^تر وہے ، اتخاذ تصميم گيــري صحيح، تفكــر صحيح و خلاقانه و تفكر نقادانه. هر كــدام از اين تواناييها براىزندگىبهتر وبهتر زيستن يک ضرورت ا ونمی توان یک یا چندمهارت را بر دیگر مهارت ها ارجح دانست. به عنوان نمونه اگر فردی توانایی شناختصحيحضعفهاوقوتهاىخود(مهارت خود آگاهی) را نداشته باشد، نمی تواند تصویری صحيح و واقع بينانه از توانايي ها، پتانسيل ها و ظرفیتهای درونسی خود، داشسته و در زندگی

روزمره بامشكلات زيادى روبه رومى شود. از سوی دیگر توانایی درک مشکلات دیگران و تـلاش بـرای رفـع این مشکلات (مهارت همدلی) یا توانایی همکاری و تعامل با دیگر افراد جامعه (مهارت روابط میان فردی) یکے از ضروریات زندگی است. لذاهیچ یکاز این تواناییهارانمی توان بر دیگری ارجح دانست. تمام این توانایی ها نیز اکتسابی استوبایددریک فر آیندصحیح آموزشی، تربیتی

برخی اوقات ممکن است در یک -و رخدادها به صورتی اتفاق بیفتد که نیاز در یک بخش بیشتر احساس شود. این رخدادها ارتباط بسیار نزدیک و تنگاتنگی با فرهنگ، آداب و رسوم آن جامعه دارد. شرايط امروز جامعه ما نيز که دارای فرهنگ، آداب و رسوم مختص به خود است، از عوامل دیگری بهویژه عوامل اقتصادی تاثیرات زیادی پذیرفته است. کانون خانواده در تاثيرات زيادى بذيرفته اس حامعه ایران اهمیت سیار زیادی دارد و بخش ، مهمی از تربیت افراد در این نهاد شکل می گیرد این در حالی است کـه مشـکلات و معضلات ادی و سـختی تأمین معیشت و ً نغییر شیوههای زندگی به دلیل ر شد تکنولوژی مییر سیومهای (ما ی به عیار رها صور ری و ابزارهای ارتباطی نوین، آسیب جدی به کانون خانواده در ایران وارد کرده است. افزایش طلاق و به تبع آن افزایش تعداد فرزندان تک والدینی در جامعه و تاثیری که زندگی در این شـرایط بر نربیت و روح فرزندان دارد، آسیب هایی است که خـودرابر جامعه تحميل كـرده وروز به روز نيز فزایش می یابد. در این شرایط اگر بخواهیم یکی ازمهارتهای زندگی کهنیاز ضروری جامعه امروز است، نام بر ده شود، «مهار ت همدلی» است. در این مهارت، فـرد میآموزد که دیگـران بهویژه نزديكان خودرادرك كندوبالحاظ كردن شرايط فرد مقابل، تصميم بگيرد. در اين مهارت فرد

. وستداشتن دیگران رامی آموزد. بنابرایین در شیرایطی که به دلیل می ائل و مشــکلات بیرونی، مانند معضلات معیشتی، به افراد یک خانواده سـختی های بسیاری تحمیل شود،افرادبااتكابهاينمهارت،ميتوانندمشكلات رابهتراز گذشته درک کرده وحل کُنند.

ادامه از صفحه ۹

فقدان مهارت زندگی، اعتیاد را به مرز بحران رسانده است



باتوجه به گفتههای شــما، اطلاع داشتن از وب عضل اعتیاد، میزان شــیوع آن در جامعه وخطراتي كه مارا تهديسد مي كند، يكي از انکارنا پذیر ترین مهارت هایی است که باید هرفردداشتهباشد؟

غير منطقى است. مــابايد بيذير يـــم كه در كنار بزر گترين توليدكننده موادمخدر سنت (افغانســـتان) زندگی می کنیم. از ســوی دیگر تولید موادمخدر صنعتی نیز در کشور افزایش یافته و مارابه شــدت تهدید می کند. لذا اگر به چنین مهارتهایی مسلح نباشیم، آسیبهای نظر می دهند. این در حالی است که اعتیاد یک معضل بسیار پیچیده و نگاه سطحی به آن خود خطر آفرین است.مثلا صداو سیما به عنوان یکی از متولیان اصلی در این حوزه که از بودجه های ميلياردى ارتزاق مىكند، نەتنىھا برنامەھاى

آموزشــی صحیحی به مردم ارایه نکرده، بلکه بسیاری از برنامههای این رسانه آثار منفی دارد. علت این است که پشت سر تولید این برنامه ها، افــراد متخصص، کارشــناس و خبــره حضور ی - رسیس و حبیره حصور ندارند. ضمن این که اساسااین موضوع متولی واحد نداشیته و همه درباره آن نظر میدهند. مشكل ديگر ما اين اســت كه الكل را بهعنوان نمیدانیم. متاسفانه ایسن بی توجهی اعتباد سیبهای جدی به جوانان ماوار د کر ده است. ما بايد بپذيريم كه مصرف الكل رشد سرسام آورى داشـــته و اين كالا كه متاســفانه بــدون هيچ نظارتی در خانهها و کار گاههای غیربهداشتی و غیراستانداردزیرزمینی تولیدو عرضه میشود، سلامت جوانان مارا با تهدید جدی روبه رو کرده است. بالاخره این که، نداشتن اطلاعات لازم درباره معضل اعتيادو مصرف موادمخدر والكل ستن مهارت پيشَـگيري و درمان به عنوان یکی از مهارتهای شروری زندگی در جامعه امروز، معضل اعتیاد را به مرز بحران رسانده و أسيبهاى جدى بهماوار دكر دهاست

هر مطلبي غير از ايــن، ناصحيح، غير علم

جدىمتحملمىشويم مشكلومعضليزر گتر ، مااین است که بحث آموزش، پیشگیری و درمان اعتیاد متولی خاصبی ندارد و همیه درباره آن